



بررسی نظریه نقش‌واره‌های شان گالاگر درباره «خود»

مجید داودی بنی

دانشگاه امیرکبیر

خلاصه:

دیدگاه جوهرگرایی (substantivalism) بر تلقی رایج از وجود ذهن سایه انداخته است. بر اساس این دیدگاه، شخص یک واحد هستی شناختی بنیادین، مستقل، و تقسیم‌ناپذیر است که انواع و ویژگی‌های خاص خود را دارد. حالت‌های آگاهانه، از جمله این ویژگی‌ها و احیاناً علت تفرد شخص هستند. اخیراً استفاده از دستاوردهای عصب‌شناسی زمینه را برای مطالعه دقیق‌تر درباره «خود» فراهم کرده است. نتایج این مطالعات نه لزوماً از استحکام متافیزیکی برخوردار هستند، نه با هم سازگارند. از جمله این مطالعات فلسفی، می‌توان به رویکرد تامس متزینگر (۲۰۰۳ و ۲۰۰۶) اشاره کرد که خواهان حذف «خود» از جهان‌بینی شده است. از سوی دیگر، در برخورد با رویکردهای حذف‌گرایانه و تقلیل‌گرایانه درباره «خود»، شان گالاگر (۲۰۱۳) از یک رویکرد تکثرگرایانه دفاع می‌کند. مطابق این رویکرد، «خود» مجموعه‌ای از الگوهایی است که در تعامل متقابل با یکدیگر قرار دارند.

در این سخنرانی، نخست این سه مفهوم از «خود» را بررسی می‌کنیم، و نشان می‌دهیم که رویکردهای حذف‌گرایانه و تکثرگرایانه اضلاع دیالکتیک جوهرگرایی هستند. سپس با اشاره به زمینه بروز رویکرد تکثرگرایانه گالاگر، انتقادهایی کلی در زمینه تکثرگرایی فلسفی مطرح خواهد شد. در نهایت، به نقد جزئی‌تر نظریه نقش‌واره‌گی گالاگر در باره «خود» می‌پردازیم.

زمان: دوشنبه، ۱۰ اسفند ۱۳۹۴، ساعت ۱۶ الی ۱۸

مکان: میدان شهید باهنر، پژوهشگاه دانش‌های بنیادی (مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات)،

پژوهشکده فلسفه تحلیلی، سالن شماره ۱